

حمید ضرابی

(مدیر مسئول و سردبیر)

info@ashian.ca



مسائل جوانان و ضرورت گام‌های عملی

و جز تکرار مکررات دستاوردی نمی‌تواند داشته باشد.

در اینجا لازم می‌دانم به دو نکته‌ی اساسی در ارتباط با فعالیت‌هایی که در زمینه‌ی مسائل جوانان صورت می‌گیرد، اشاره کنم:

۱- هرکاری که برای حل مشکلات و مسائل جوانان صورت می‌گیرد باید در رأس امور آن، خود جوانان قرار گیرند و در تصمیم‌گیری‌ها نقش محوری و اصلی را داشته باشند؛ جوانانی که با فرهنگ و محیط پیرامون آشنا هستند، زبان، نیازها و درد دل جوانان را درک می‌کنند و در عین حال علاقمند به حفظ ارزشهای مثبت فرهنگی خویش نیز هستند. تجربه نشان داده است که وقتی جوان خودش مسئولیت داشته باشد تا برای افراد هم سن و سال خود کار کند، با احساس غرور و شخصیتی که برایش دست می‌دهد، با علاقمندی و دلگرمی بیشتر تلاش و فعالیت می‌کند و یقیناً نتایج مثبت نیز به دست خواهد آمد. در غیر این صورت خودش را جدای از مسئولین پنداشته و شاید هم احساس کند که کارها برخلاف میل، بر او تحمیل می‌شود. طبیعتاً این روش نتیجه‌ی مطلوب و دلخواه را به بار نخواهد آورد. نباید شبهه‌ای در دل راه داد که جوانان از تجربه و دانش و احساس کافی برای امور اصلاحی و فرهنگی برخوردار نیستند. یقین بدانید که در میان همین جوانانی که حتی در صحبت به زبان مادری شان مشکل دارند، بسیارند کسانی که نسبت به فرهنگ و کشور شان شدیداً علاقمندند و با افتخار از کشور شان یاد می‌کنند و خود را متعلق به همان سرزمین می‌دانند.

۲- ایجاد هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ میان مراکزی که در ارتباط با مسائل جوانان فعالیت می‌کنند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و یکی از گام‌های عملی است که باید برداشته شود. طبیعی است که هر ارگان و نهادی در بخشی از مسائل و نیازمندی‌های جوانان فعالیت دارد که لازم است این فعالیت‌ها در سمت و سویی واحد قرار گیرد و هر از چند گاهی با اشتراک مساعی کلیه‌ی مراکز جوانان فعالیت‌های مشترک و گسترده نیز صورت بگیرد. خوشبختانه در همین راستا، همکار عزیز و فرهیخته‌ام - جناب آقای غنی‌هما - با پشتکار و علاقمندی که به حل مسائل جوانان دارند در نظر خواهی که اخیراً در ارتباط با تشکیل یک کمیته‌ی هماهنگ‌کننده‌ی جوانان، از مسئولین و دست‌اندرکاران مسائل جوانان داشتند، معلوم شده همه بر لزوم تشکیل چنین کمیته‌ای تأکید کرده‌اند که امیدوارم با پیگیری ایشان، این کار که یقیناً یکی از گام‌های اولیه و اساسی است، به زودی تحقق یابد و جوانان فعال، با درد و مستعد ما، بتوانند خودشان یکجا و یک صدا برای رفع مشکلات و مسائل شان اقدام بکنند. به امید آن روز.

آشیان تان همیشه سر سبز و آباد باد!

سرطان ۱۳۸۴ - جولای ۲۰۰۵

تور تو

یکی از خصوصیت‌های عمومی جامعه‌ی ما این است که در ارتباط با مسائل و نامالیقات روزمره‌ی اجتماعی، گاه چنان واکنش تند و عزم قاطع از خود نشان می‌دهیم که انگار دو روزه هیولای مخوف مشکلات را از پا در خواهیم آورد و جامعه‌ی ما یک شبه به یک جامعه‌ی مطلوب و دلخواه مبدل خواهد شد. زود احساساتی می‌شویم، بی‌انیه می‌دهیم، نظر می‌دهیم، انتقاد می‌کنیم، پیشنهاد می‌دهیم؛ اما دیری نمی‌پاید که یک باره تب آن همه کار، فعالیت، شعار، و احساسات فروکش کرده؛ نه یادی از مسائل می‌کنیم و نه در فکر حل معضلات واقعی جامعه هستیم.

آخرین موردی که شاهد تب و تاب و اظهار جدیت برای پرداختن به رفع مشکلات و مسائل جوانان بودیم، در قضیه‌ی قتل ناجوانمردانه‌ی مرحوم نصرت پارسا بود که همگی بی‌انیه دادیم و پیشنهاد و شعار! برای مدتی کوتاه در همه جا - از محافل رسمی گرفته تا صحبت‌های خصوصی - محور اصلی گفت و شنود‌ها مسائل و مشکلات جوانان بود. هرچند از آن قضیه تاکنون مدت زمان زیادی نمی‌گذرد؛ اما احساس می‌کنم که مانند دفعات گذشته این موضوع هم در تاریخخانه‌ی فراموشی ما جای خواهد گرفت. شاید می‌خواهیم منتظر بمانیم که باز سهل‌انگاری‌ها و ساده‌اندیشی‌ها، حادثه‌ای دیگر بیافریند تا باری دیگر گلو پاره کنیم و واکنشهایی از سر احساس از خود نشان بدهیم؟

فکر می‌کنم که اکنون زمان آن فرا رسیده است که گام‌های عملی و مثبت در راستای انسجام نیروهای جوان برداشته شود و فعالیت‌ها و تلاشها برای پیدا کردن راه حل برای مسائل جوانان در جامعه متمرکز شود. همان‌گونه که در شماره‌ی قبلی آشیان اشاره کردم، مردم ما بدون هیچ گونه تردید و شبهه‌ای اکنون به وجود مشکلات پی برده‌اند و همگی می‌خواهند که کاری جدی برای حل معضلات صورت بگیرد. یعنی مرحله‌ی اول کار که ایجاد آگاهی عمومی نسبت به مشکلات بوده به نوعی خاتمه یافته است. همگی می‌دانند که چه مشکلاتی هم اکنون دامن گیر جامعه است. دیگر لازم نیست که ما در جلسات و گردهمایی‌های خود از وجود مشکلات بگوییم. تنها چیزی که لازم است در این مقطع زمانی صورت بگیرد، این است که گام‌هایی عملی برداشته شود و محور صحبت‌ها و تبادل نظرها جملگی باید در ارتباط با پیدا کردن راه‌ها، شیوه‌ها و ابزار مناسب برای رسیدگی به مشکلات باشد.

متأسفانه برنامه‌ها و محافلی که در همین ارتباط گاه‌گاهی از سوی مراجع مختلف برگزار می‌شود اغلب بدون کدام نتیجه‌گیری مطلوب که ما را حد اقل یک گام به رسیدن به هدف نزدیک‌تر بسازد، خاتمه می‌یابد. نمی‌خواهم نفس اهمیت برپایی مجالس در ارتباط با جوانان را انکار کنم، برگزاری مجالس و محافل تحت عنوان جوانان و با هر محدوده و دائره‌ای خالی از فائده و اثر نیست؛ اما اگر این نوع گردهمایی‌ها در سمت و سویی مشخص و برنامه‌ریزی شده نباشد، هیچ‌گونه کمکی در رسیدن به هدف نمی‌کند